

# اخلاق در حقوق کیفری:

## احترام به آزادی اشخاص و تحصیل دلیل در فقه امامیه و حقوق جزای ایران

روح الله خلیلی<sup>۱</sup>، دکتر مهدی اسماعیلی<sup>۲\*</sup>، دکتر حسن حاجی تبار فیروزجانی<sup>۲</sup>  
 ۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.  
 ۲. گروه حقوق، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.  
 (تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۲۰، تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۳)

### چکیده

**زمینه:** دلیل در امور کیفری ترسیم کننده خطی است که مراحل مختلف دادرسی کیفری را از لحظه کشف جرم تا صدور حکم به هم پیوند می‌دهد. به همین علت، عملکرد مجریان عدالت کیفری در تمام نظام های حقوقی، پس از کشف جرم، در حول محور جمع آوری ادله و سپس ارزیابی و سنجش آنها دور می‌زند و آنچه به عنوان ساز و کار دلیل در امور کیفری مطرح است جستجوی حقیقت مادی مطلق یا واقعیت است. توجه به این امر خطیر در حقیقت ناشی از اهمیتی است که مکاتب اخلاقی به امر آزادی اشخاص و احترام به آن می‌نهند. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی احترام به آزادی اشخاص و تحصیل دلیل در فقه امامیه و حقوق جزای ایران شکل گرفت.

**نتیجه گیری:** یک اظهار اطلاع ناصحیح، یک گزارش خلاف واقع، یک نوشته مجعول، شهادتی دروغ و یا اظهار نظر کارشناسی بی‌دقت یا منحرف، ممکن است قاضی را به اشتباه بکشاند و موجبات محکومیت بی‌گناهی را فراهم سازد. تأکید مکاتب اخلاقی بر ضرورت پایبندی به حقوق شهروندی و احترام به آزادی‌های اشخاص در تمام مراحل دادرسی، ضرورت و اهمیت پرداختن به موضوع تحصیل دلیل را دوچندان می‌سازد. در دادرسی کیفری، آنچه باعث تجسم بخشیدن به عدالت کیفری است، حضور فعال دادرسی در کاوش ادله و دست یازیدن به واقعیت است. اصل آزادی دلیل، باید در پرتو ضوابط قانونی تعیین و حدود و اعتبارات آن معلوم گردد. و در یک رویکرد کلی، چارچوب حقوقی اصل آزادی دلیل از یک طرف به مرزهای دلیل مشروح و طرف دیگر به مرزهای مشروعیت تحصیل محدود شده است.

**کلیدواژه‌گان:** آزادی، اخلاق، حقوق شهروندی، تحصیل دلیل، حقوق کیفری

### سر آغاز

از آنجا که برای حفظ نظم در جامعه نمی‌توان تنها بر وجدان اشخاص تکیه کرد و بسیاری از مفاهیم اخلاقی نیازمند حمایت قانونی هستند علم حقوق شکل گرفت و برای بسیاری از قواعد اخلاقی ضمانت اجرایی ایجاد کرد. در این میان یکی از چالش‌های اخلاقی<sup>۵</sup> در علم حقوق تحصیل دلیل است. یک اظهار اطلاع ناصحیح، یک گزارش خلاف واقع، یک نوشته مجعول، شهادتی دروغ و یا اظهار نظر کارشناسی بی‌دقت یا منحرف، ممکن است قاضی را به اشتباه بکشاند و موجبات محکومیت بی‌گناهی را فراهم سازد. تأکید مکاتب اخلاقی بر ضرورت پایبندی به حقوق شهروندی<sup>۶</sup> و احترام به آزادی‌های اشخاص در تمام مراحل دادرسی، ضرورت و اهمیت پرداختن به موضوع تحصیل دلیل را دوچندان می‌سازد (۲ و ۳)

تحصیل دلیل یکی از موضوعات اصلی و اساسی دادرسی کیفری را تشکیل می‌دهد تا آنجا که بدون وجود دلیل، امکان انتساب جرم و به تبع آن، اجرای مجازات وجود ندارد.

برای فهم رابطه اخلاق و حقوق<sup>۲</sup> باید مفهوم آنها را بشناسیم. حقوق مجموعه قواعد الزام آور کلی است که به منظور ایجاد نظم و عدالت<sup>۳</sup> بر یک جامعه حکومت می‌کند و از طرف دولت تضمین شده است. بنابراین قواعد حقوق الزام آور است. حقوق مجموعه ای از باید و نباید است. قاعده‌ای رفتاری و کلی است. بنابراین تصمیماتی که مجالس مقننه در مورد خاص می‌گیرند حقوق نیست زیرا حقوق باید کلی باشد، تمام کسانی که مصداق آن هستند باید تابع آن باشند. حقوق دو هدف دارد که گاه با هم متعارض هستند: ۱- ایجاد نظم ۲- استقرار عدالت. این دو بدون دیگری فایده مطلوب را ندارند. اساس عدالت باید بر زمینه نظم باشد. اما موضوع اصلی مورد بحث اخلاق است: قواعد اخلاقی<sup>۴</sup>

تکیه بر وجدان شخص دارد، یعنی اعتبار این قواعد از درون تضمین می‌شوند نه از برون در حالی که قواعد حقوق از طرف دولت تضمین می‌شود (۱).

نویسنده مسئول: نشانی الکترونیکی: dresmaeli@yahoo.com

تحصیل دلیل به سود یکی از اصحاب دعوا بر نمی آید؛ به همین دلیل گفته می‌شود قاضی حقوقی بر مبنای حقیقت صورتی اتخاذ تصمیم می‌کند و به این ترتیب، طبیعی است که دلیل در ماده ۱۹۴ قانون آیین دادرسی مدنی به عنوان امری که اصحاب دعوا برای اثبات ادعای خود ارائه می‌دهند، تعریف شود (۸). دوم، در مفهوم اعم، عمل فراهم آوردن وسایلی است که وجدان دادرس را اقناع می‌نماید؛ پس اینکه گفته می‌شود (بار دلیل بر دوش مدعی) است، دلیل در این مفهوم اعم بکار رفته و به معنای آن است که تدارک، تهیه و ارائه وسایلی که وجدان دادرس را نسبت به واقعیت امر مورد ادعا اقناع می‌نمایند، به عهده مدعی است (۹). این مفهوم هر چند در امور حقوقی، بویژه در مقام تدارک، تهیه و ارائه دلیل از سوی خواهان یا خوانده بی‌معنا نیست، ولی اگر بپذیریم که در امور حقوقی، نظام ادله قانونی<sup>۸</sup> پذیرفته شده است و این بدین معناست که برای اقناع وجدان<sup>۹</sup> (اقناع به معنای قانع کردن و راضی کردن) و وجدان به معنای (قوه‌ای در باطن شخص که وی را از نیک و بد اعمال آگاهی دهد (۱۰). دادرس، تنها ادله‌ای پذیرفته می‌شود که در قانون با توان اثباتی مشخص پیش‌بینی شده است. مفهوم دلیل به معنای اخص آن در امور حقوقی بیشتر جلوه می‌کند. اما در امور کیفری، دلیل به مفهوم اعم آن مد نظر است و به همین جهت گروهی از نویسندگان اقامه دلیل را به (تمهید وسایلی که بتواند اعتقاد دادرس را به درست بودن ادعا تأمین کند) تعریف کرده‌اند. در امور کیفری، از آنجا که ارتکاب جرم باعث اختلال در نظم و امنیت جامعه می‌گردد و هدف دعوی کیفری، کشف حقیقت و دستیابی به مجرم واقعی به منظور اعمال مجازات قانونی است، علاوه بر دادستان یا شاکی، خود قاضی کیفری نیز در صورت لزوم باید به تکمیل ادله و حتی تحصیل ادله کاملاً جدیدی که بتواند در سرنوشت محاکمه موثر باشد بپردازد. در زبان حقوقی فرانسه نیز دلیل به دو مفهوم موسّع و مضیق استعمال می‌گردد؛ در معنای موسّع، دلیل به معنای اقامه واقع یا یک عمل یا یک واقعه حقوقی و در معنای مضیق، شیوه‌ای است که برای اثبات آن عمل یا واقعه حقوقی بکار می‌رود (۱۱). در فرهنگ‌های حقوقی فرانسه نیز دلیل به عنوان اثبات وجود عملی در شیوه‌های مورد قبول قانون تعریف شده است، ولی این تعریف در موضوعات کیفری باید تکمیل گردد؛ چرا که دلیل فقط شامل اثبات وجود عمل نیست بلکه انتساب آن به شخص و در بیشتر موارد، نمایاندن قصدی که این شخص در ارتکاب چنین عملی داشته است (۱۲). ساز و کار دلیل در امور کیفری بیشتر در جستجوی حقیقت مادی مطلق یا واقعیت است، حال آنکه در امور حقوقی گرایش به سمت حقیقت قضایی افزون‌تر می‌باشد زیرا دادرس موظف است صرفاً در حیطه ادله‌ای که طرفین ارائه می‌نمایند، باقی بماند و گامی از آن فراتر بر ندارد. به دیگر سخن، در نظام ادله قانونی (مجرا در دادرسی مدنی) ممکن است حقیقت قضایی و حقیقت مطلق (مادی) از هم دور باشند و در این شرایط اجبار قاضی مدنی در محدود کردن خود به ادله‌های طرفین ممکن است وی را بر آن دارد که علی‌رغم علم به حقیقت مطلق، مطابق حقیقت قضایی اقدام به صدور حکم کند و بطور ضمنی حقیقت مطلق را نادیده انگارد. برعکس چنانچه در دادرسی

دلیل در دعوی کیفری نسبت به مسائل دیگر از اهمیت بسزایی برخوردار است چرا که با تضمینات اساسی اشخاص بویژه اماره برائت که می‌تواند تحت تأثیر دلیل قرار گیرد، مواجه می‌گردد. البته ادله معتبر و واجد ارزش اثباتی باید از سوی قانونگذار مشخص گردد تا اصحاب دعوا از تحصیل و ارائه ادله فاقد ارزش قضایی امتناع کنند و همچنین شیوه‌های صحیح تحصیل ادله و ضوابط خاص ناظر به آن مشخص گردد تا از توسّل به شیوه‌های غیرقانونی و نامشروع در تحصیل و تقدیم دلیل که گاه باعث بطلان دادرسی می‌گردد، جلوگیری شود. پس طرح دعوا از سوی قدرت عمومی علیه کسی که بی‌گناهی او به موجب (اصل برائت) مفروض است، محکوم کردن او به مجازات با توسل به هر وسیله‌ای با نام و عنوان دلیل پذیرفته نیست. دلیل حاوی قواعدی است که بدنبال کشف جرم از طریق شناخت اعمال یا دستیابی به اشخاص است تا با بررسی آنها به حقیقت نائل آید. در فرایند دادرسی کیفری، این مهم فقط از طریق تحصیل و بررسی ادله امکان‌پذیر خواهد بود. به همین علت، گفته می‌شود که دلیل در حقوق کیفری آزاد است ولی چنین ادعا به صورت محدود قابل پذیرش خواهد بود. در حقیقت، همه چیز باید در پرتو حکومت قانون تعریف شود و دلیل از این قاعده مستثنی نیست. اصل آزادی ادله باید با اصل اساسی دیگری که همانا اصل قانونی بودن است، هماهنگ باشد.

### مفهوم دلیل

دلیل<sup>۷</sup> در زبان و ادب پارسی از جمله به معنای (راه‌نما)، (راه‌نماینده)، (راهبر) و (ره‌نمون) (۴) و (گواه) و (نشانه) (۵) آمده و جمع مکسر آن در زبان عربی (ادله) یا دلایل است. در زبان و ادبیات فرانسه نیز (دلیل) به معنای (شاهد) و (نشانه) (۶) به کار گرفته شده و از معنای پارسی دلیل جدا نیفتاده است. با استفاده از این مفاهیم، دلیل را می‌توان (نمایان کننده) یا (نمایاننده) نیز معنا نمود. در حقوق هنگامی سخن از دلیل می‌شود که رویدادی هدایت‌گر حرکت عقل به سوی واقع شود. به بیان دیگر، هر گاه عقل از نشانه‌های یافته خود، بتواند به امری مجهول پی ببرد، آن نشانه را دلیل می‌گویند. به همین اعتبار است که گاه دلیل مرادف به برهان و قیاس نیز به کار برده می‌شود و گفته‌اند (هر چه روح را به وجود حقیقت اقناع کند دلیل است) (۷). در عالم حقوق، دلیل در دو مفهوم مورد توجه قرار گرفته است؛ نخست در مفهوم اخص، به هر وسیله‌ای گفته می‌شود که در قانون پیش‌بینی شده و در مراجع قضایی سبب اقناع وجدان دادرس به واقعیت امر مورد ادعا شود. با توجه به مواد ۱۲۵۷ به بعد قانون مدنی (دلایل اثبات دعوا از قرار ذیل است: ۱) اقرار، ۲) اسناد کتبی، ۳) شهادت، ۴) امارات، ۵) قسم) و با مراجعه به ماده ۱۹۴ قانون آیین دادرسی مدنی که در آن (دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا به آن استناد می‌نمایند) معلوم می‌شود که قانون‌گذار در امور و دعوی حقوقی از مفهوم اخص دلیل پیروی نموده است؛ چرا که در این نوع دعوی، قاضی اصولاً نقش حکم را ایفا می‌کند و جز در موارد استثنایی، عملاً وظیفه او اظهار نظر بر مبنای ادله ارائه شده از سوی اصحاب دعوا است و خود در مقام

کیفری جاری است، می‌توان به دادرسی اجازه داد که تنها با توجه به اقرار وجدان خود و نه فقط ادله ابراز شده توسط طرفین، دعوی را فیصله دهد (۱۳).

### اصول و قلمرو تحصیل دلیل در فقه امامیه<sup>۱۰</sup>

یکی از دلایلی که فقهای عظام در مورد اصول و قلمرو تحصیل دلیل، بحث می‌کنند؛ آیه ۶ سوره مبارکه حجرات است که به این موضوع اشاره می‌کند: (ای مومنان، اگر فاسقی خبری بدهد آن را بدون تحقیق نپذیرید مبادا که در اثر پذیرش بدون تحقیق با قومی در افتید و به عواقب پشیمان‌آور دچار شوید.) در مورد شان نزول این آیه مفسرین دو روایت آورده‌اند:

(الف) گروهی از جمله ابن عباس آورده‌اند که این آیه در مورد ولیدبن عقبه فرود آمد، چرا که پیامبر گرامی او را برای گردآوری زکات به سوی طایفه بنی المصطلق گسیل داشت. هنگامی که او به منطقه‌ی آنان رسید مردم از شور و شادمانی به خاطر آن نماینده و فرستاده پیامبر از خانه‌ها بیرون ریختند و به استقبال او شتافتند، اما از آنجایی که در روزگار جاهلیت میان او و آن قبیله درگیری و دشمنی بوده، به اشتباه افتاد و پنداشت که آنان قصد جان او را کرده‌اند. به همین جهت بازگشت و به پیامبر گزارش کرد که آنان از پرداخت زکات سرباز زده و دست به شورش و مخالفت برداشته‌اند. پیامبر ناراحت شد و به اندیشه‌ی پیکار با آنان افتاد که فرشته‌ی وحی فرود آمد و این آیه را بر قلب مصفای آن حضرت فرود آورد (۱۴-۱۶). ب) اما پاره‌ای آورده‌اند که این آیه در مورد ماریه همسر پیامبر گرامی فرود آمد، چرا که پاره‌ای از حسادت و رزان و بد اندیشان به پیامبر گزارش دادند که این بانو عموزاده‌ای دارد که گاه به دیدار او می‌رود و گویی با هم سرورسری دارند. پیامبر (ص)، امام علی (ع) را فرستاد و فرمود: برادر ارجمندم، این شمشیر را بگیر و به خانه‌ی ما برو، اگر خود مورد اشاره را نزد ماریه دیدی از دم شمشیر بگذران و بازگرد. او پاسخ داد: ای پیامبر خدا من برای انجام فرمان آماده‌ام. آیا دستور می‌دهید که بسا مکه تفتیده که با آن پول‌ها را نقش می‌زنند عمل کنم و دیگر نیازی به تحقیق نیست، یا اینکه ممکن است حاضر و ناظر چیزی را ببیند و دریابد که غایب نتواند دریابد، پیامبر فرمود: نه، شما بر اساس معیارها و ملاک‌ها رفتار کن، چرا که حاضری چیزی را می‌بیند که غایب نتواند بنگرد و دریابد، بنابراین با تحقیق بیشتر عمل کن. امیرمومنان (ع) می‌فرماید: پس از دستور پیامبر شمشیرم را برگرفتم و رفتم و عموزاده ماریه را در منزل او دیدم. با شمشیر به سوی او رفتم که گریخت و از درخت خرمايي بالا رفت و آنگاه خود را از بالا به زیر افکند که در این هنگام به پشت افتاد و پیراهن او بالا رفت و روشن شد که عضو جنسی ندارد. بازگشتم و داستان را به پیامبر گزارش دادم و توضیح دادم که آن بنده خدا از ریشه فاقد عضو جنسی است. پیامبر فرمود: خدای را سپاس که گناه و پلیدی را از خاندان وحی و رسالت دور داشته است (۱۷). اینکه در آیه ی شریفه دستور به تحقیق و بررسی خبر فاسق را تعلیل فرموده می‌فهماند که آنچه بدان امر فرموده، رفع جهالت است و اینکه اگر خواست به گفته‌ی فاسق ترتیب اثر دهد و

به آن عمل کند باید نسبت به مضمون خبر او علم حاصل کند، پس در آیه‌ی شریفه همان چیزی اثبات شده که عقلا آن را ثابت می‌دانند و همان عمل نفی شده که عقلا هم آن را نفی می‌کنند و این همان امضا است و نه حکمی جدید (۱۸). دستور آیه‌ی مزبور عام است. شامل ایراد تهمت به متهم هم می‌شود و بازپرسان (قضات) هم مخاطب آیه هستند و در اجراء این آیه بر گه‌های جرم را به دست می‌آورند و وقتی که مطمئن شدند، قرار تعقیب و یا منع تعقیب صادر می‌کنند و این آیه دلیل قاطع برای حجیت امارات قضایی در امور کیفری است و می‌دانیم که امور کیفری از این جهت خصوصیت ندارد، پس شامل امور مدنی هم می‌شود (۱۹). البته علمای علم اصول از آیه مزبور در حجیت خبر واحد نیز استفاده می‌کنند و خبر واحد در صورتی مورد وثوق قرار می‌گیرد که آورنده‌ی خبر شخص عادل باشد (۲۰-۲۳). البته میان این معنا و تقریرات قبلی منافاتی وجود ندارد، چون در حال حاضر، به دلیل بزرگ و پیچیده شدن جوامع و عدم شناخت کافی افراد، دادرسی (قاضی) موظف است که به هر خبری و دلیلی اعتماد نکند و خود نیز در صدد تحصیل و به دست آوردن دلیل اقدام کند. البته معنای عدم اعتماد به اشخاص در دادرسی به معنای فاسق بودن آنها نیست، بلکه به معنای عدم شناخت و عدم اطمینان کافی به آنان است. اهمیت تحصیل دلیل در حقوق کیفری<sup>۱۱</sup> اسلام تا آنجاست که حضرت امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: اگر هزاران گناهکار بی‌کیفر بمانند بهتر است از آنکه یک نفر بی‌گناه بر خلاف حق به کیفر برسد (۲۴). سوالی که در اینجا بر حسب حدیث فوق به وجود می‌آید این است که چه زمانی یک نفر بی‌گناه به کیفر نمی‌رسد؟ آیا می‌توان فقط بر حسب ادله‌ی طرفین اقدام به کیفر شخصی کرد؟ طبیعتاً چنین امری بر حسب حکم عقل قبیح و نامردود است، برای انجام دادرسی عادلانه<sup>۱۲</sup> در نظام حقوق اسلام<sup>۱۳</sup>، قاضی و اصحاب دادرسی موظف به تحقیق و تحصیل می‌باشند و بدون این امر طبیعتاً عدالت در دادرسی محقق نمی‌شود چون در هر زمانی بزهکاران در ارتکاب و توجیه جرایم، از شیوه‌های جدید استفاده می‌کنند و عدالت نیز برای مبارزه با آنها ناچار است با سلاحی متناسب مجهز گردد و از فنون علمی بهره‌گیرد. این بهره‌گیری از فنون علمی متضمن تحصیل و تحقیق توسط اصحاب دادرسی و کارشناسان در این زمینه می‌باشند. دکترجعفری لنگرودی می‌نویسد: در حقوق اسلام، تحصیل دلیل از طرف قاضی ممنوع نیست و او می‌تواند از قرائن در هر دعوی استناد کند و علمی که از این طریق به دست می‌آورد حجت است و باید بر طبق آن حکم دهد و احقاق حق کند (۱۹).

### قلمرو تحصیل دلیل در حقوق جزای ایران

در حقوق کیفری ایران با نظام آزادی ادله مواجه خواهیم شد. هر چند بر اساس مفاد مواد ۳۶۰ و ۳۶۹ و ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری ایران معلوم که قانون‌گذار در صدد تحصیل اقرار وجدانی دادرسی و صحه گذاردن بر اصل ارزیابی آزادانه دلیل توسط دادرسان است و جز در برخی از جرایم (حدود و قصاص<sup>۱۴</sup>) که ادله اثباتی خاصی را پیش‌بینی نموده است، در مورد سایر جرایم از اصل تحصیل آزادانه ادله تبعیت نموده

سیاسی و حقوق اقتصادی و اجتماعی دانسته است (۲۸). در قوانین ملی و بین‌المللی هر چند به کرات از کرامت بشری یاد شده است، ولی تعریفی از آن ارائه نگردیده است. برخی از فلاسفه گفته‌اند (کرامت انسانی عموماً برای هدایت یک تصمیم مناسب درباره رفتار با بشر، به ویژه آنگاه که به شدت در تمامیت جسمانی و معنوی خود در معرض تهدید قرار گرفته باشد، مطرح می‌شود). پس کرامت به عنوان نماد ضد خشونت جسمانی و معنوی مطرح می‌گردد. کرامت که به معنای پاک بودن از آلودگی‌ها، عزت و شرف و کمال مخصوص به آن موجود که کرامت به آن نسبت داده می‌شود (۲۹). تعریف شده، به واسطه وجود استعداد، قدرت تفکر و اراده به انسان بخشیده است و برای دستیابی به اهداف بلند انسانی از جمله آزادی، عدالت و نظم عمومی، احترام و پاسداری از آن ضروری است (۳۰). به همین علت، کرامت انسانی به عنوان مهم‌ترین مفاهیم و ارزش‌های مورد حمایت در نظام حقوق بشر، مجموعه‌ای از اوصاف و عناصری است که موجب تمایز انسان از سایر موجودات می‌شود یعنی تفکر، احساس و خواست (۳۱). پس در فرایند دادرسی کیفری به ویژه مرحله تحقیقات مقدماتی نیز این حقوق باید مورد احترام قرار گیرد.

### الف- رعایت زندگی خصوص افراد

اصل مشروعیت تحصیل دلیل می‌طلبد تا به هنگام جمع‌آوری ادله با احترام به حریم مسکن و مأوی و محل کار افراد و رعایت حرمت مجموعه مراسلات و مکاتبات آنها، با حفظ اصل رازداری و گمنامی اشخاص و احترام به حق خلوت آنها، حریم خصوصی شهروندان جامعه را پاس داریم تا ضمن صیانت از حقوق فردی و کرامت انسانی آنها، از مخدوش شدن و بی اعتباری ادله اکتسابی جلوگیری نماییم.

حریم خصوصی یک موضوع فرهنگی و یک مفهوم اخلاقی و اجتماعی است که زمان و مکان در تعریف آن نقش بسیار زیادی دارد. جوامع مختلف، تعاریف گوناگونی از این مفهوم دارند و رویکرد آنها به حریم خصوصی افراد با هنجارهای اجتماعی و اخلاقی تنظیم می‌گردد. هر چند طبقه‌بندی متنوعی از حریم خصوصی ارائه گردیده است (۳۲). ولی به طور کلی، احترام به زندگی خصوصی افراد و رعایت حریم خصوصی زندگی آنها، متضمن احترام به حریم منزل، مسکن و محل کار افراد و محرمانه نگاهداشتن ارتباط و مکاتبات آنهاست.

با توجه به اهمیت حریم خصوصی به عنوان یکی از ارزشمندترین مفاهیم نظام‌های حقوقی توسعه یافته و اصل سازمان بخش جامعه مدنی به لحاظ ارتباط تنگاتنگ آن با کرامت و شخصیت و آزادی و استقلال انسان، ماده ۲ (لایحه حمایت از حریم خصوصی) در مقام تعریف (حریم خصوصی)، آنرا قلمرویی از زندگی هر شخص دانسته است (که آن شخص عراً یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون، انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند و یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته یا در آن قلمروی را مورد تعرض قرار ندهند. جسم، البسه و اشیاء همراه افراد، اماکن خصوصی و منازل، محله‌ای کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات

است، ماده‌ای که صراحتاً بر این دو بعد آزادی دلیل اشاره نماید، وجود ندارد (۸ و ۲۵). پس در حقوق کیفری ایران، نظام ادله معنوی یا اقناع وجدانی قاضی پذیرفته شده و بر اصل ارزیابی آزادانه ادله تأکید شده است. در نظام ادله آزاد قاضی در ارزیابی و برآورد دلیل آزاد است و بر اساس وجدان و اعتقاد باطنی خود تصمیم‌گیری نموده و همواره تصمیمات خود را بر مبنای ادله مصون از ایراد عدم کفایت یا تعارض استوار می‌نماید. بر همین اساس دادرسی در کمال آزادی، ارزش دلایل ابرازی را ارزیابی نموده و در رد یا قبول آنها مختار است و محدود به دلایل پیش‌ساخته قانون‌گذار نبوده و با استفاده از تمامی وسایل و امکانات کشف حقیقت براساس اعتقاد باطنی خود رسیدگی و انشای رأی می‌نماید (۲۶). از این موضوع گاه تحت عنوان نظام ادله معنوی یا سیستم اقناع وجدانی قاضی یاد می‌شود. دادرسان مجرمیت شخص تحت تعقیب را با توجه به ادله موجود، آزادانه بررسی و ارزیابی می‌کنند، در حالی که به هیچ دلیلی وابسته نیست و چون بین انواع مختلف ادله، هیچ‌گونه سلسله مراتبی وجود ندارد، قضات بدون اجبار؛ تصمیم‌گیری می‌نمایند که کدام دلیل نسبت به ادله دیگر اقناع‌کننده‌تر است و اگر یقین به مجرمیت یا بی‌گناهی شخص پیدا کردند، برآن اساس انشای رأی می‌کنند و اگر شک آنها باقی باشد، با تفسیر آن به نفع متهم، او را تبرئه می‌نمایند. از اینکه گفته شد در دعوی کیفری اصل آزادی دلیل پذیرفته شده است و اصحاب دعوا و مسوولین تعقیب می‌توانند هر نوع دلیلی را برای اثبات مدعای خود ارائه کنند، نباید نتیجه گرفت که هیچ گونه ضابطه و قاعده‌ای بر تحصیل ادله حکمفرما نیست و اصل تحصیل آزادانه دلیل بدون قید و شرط قابل اجرا است. درست است که در امور کیفری، اصل آزادی توسل به انواع ادله پذیرفته شده است، لیکن قانون در مورد طرز تهیه و جمع‌آوری آنها آزادی مطلق نداده است. با این توضیح که جمع‌آوری دلایل باید برطبق قواعد و شرایط خاص انجام پذیرد و این قواعد تنها ناظر به قضات دادگاه نیست، بلکه قضات دادسرا و سایر ماموران کشف و تعقیب جرم نیز در وظایف خود ملزم به رعایت این قواعد می‌باشند (۲۷). دلیل هر چند آزاد است ولی به هر شیوه‌ای نمی‌تواند تحصیل گردد و باید با رعایت اصولی که توسط اصل مشروعیت و اخلاق تحمیل می‌گردد، بدست آید.

### رعایت حقوق فردی و کرامت انسانی بعنوان اصل حاکم بر تحصیل دلیل

در مقام تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع، حقوق برای هر کس، امتیازهایی در برابر دیگران می‌شناسد و توان خاصی به آن می‌بخشد. این امتیاز و توانایی را (حق) می‌نامند که به مجموع آنها، (حقوق) فردی گفته می‌شود؛ بنابراین، حقوق فردی، بیانگر مجموعه توانایی‌ها و اختیارات قانونی افراد در اجتماع است که بسیاری از این نوع حقوق مانند حق حیات، حق آزادی، حق تساوی در برابر قانون لازمه کرامت انسانی دانسته شده است و حتی اعلامیه جهانی حقوق بشر، لازمه حیثیت و کرامت انسان<sup>۱۵</sup> را پابندی به دو دسته از حقوق یعنی حقوق مدنی و

خصوصی با دیگران، حریم خصوصی محسوب می‌شود). با دقت در این تعریف و مصادیق بارز احترام به زندگی خصوصی افراد، معلوم می‌گردد که حریم خصوصی دارای سه رکن اساسی است که بر اساس این سه رکن تعریف می‌گردد: الف-آزاداری یعنی محدودیت پخش اطلاعات در مورد افراد؛ ب-گمنامی یعنی محفوظ بودن از توجه دیگران و ج-خلوت یعنی عدم مجاورت مادی با افراد دیگر (۳۱). پس برخی نویسندگان برای نقض حریم خصوصی افراد، معیارها و اماراتی را مطرح کرده‌اند که می‌توان مهمترین آنها را به دو دسته تقسیم کرد: ۱- آنچه در وهله نخست به فرد معینی اختصاص دارد و قبلاً به طور علنی و عمومی منتشر نشده است، جزو حریم خصوصی او محسوب می‌شود؛ ۲- برای احراز اینکه حریم خصوصی اشخاص نقض شده است یا نه، باید به انتظار معقول و متعارف از حریم خصوصی توجه کرد. بنابراین به نظر می‌رسد می‌توان حریم خصوصی را اینگونه تعریف کرد:

(قلمرو وی از زندگی اشخاص که تصمیم راجع به انتقال یا عدم انتقال اطلاعات درباره آن، زمان، نحوه و اندازه این انتقال، عرفاً و شخصاً ب با آنهاست. نظیر حق اشخاص بر نام، تصویر، صوت، عقاید، خلیقات، حریم منازل و اماکن خصوصی، حق بر اطلاعات و ارتباطات خصوصی) (۳۳).

#### ب- رعایت تمامیت جسمانی و روانی افراد

در جهان امروزی، جستجوی ادله بر اساس شیوه‌های صحیح و هماهنگ با ارزش‌های اخلاقی متناسب با تمدن فعلی، یک ضرورت و حتمی تلقی می‌گردد و عدم اعمال رفتارهای غیرانسانی و تحقیر کننده، از حقوق غیرقابل انعطاف به شمار می‌آید و یکی از نموده‌های اساسی یک جامعه مردم‌سالار محسوب می‌شود (۳۴). امروزه طرق سنتی تحصیل دلیل بخاطر مغایرت با افکار عمومی یا به علت عدم مطابقت با تحولات اخلاقی متروک شده‌اند و در یک دعوای کیفری، ادله اکتسابی فقط در صورت مطابقت با درجه تمدن و فرهنگ آن جامعه پذیرفته خواهند شد. بنابراین، هر دلیلی که به طرقی مغایر با حیثیت و شرافت انسانی تحصیل گردد و یا هر قسم از ادله‌ای که با اهمال فشار فیزیکی و خشونت به دست آمده باشد، مطرود می‌گردد. اعمال خشونت در قالب تمامی اشکال آن، جسمی یا روانی، در مراحل تحقیق و جستجوی ادله به طور مطلق منع گردیده است. این ممنوعیت علاوه بر اینکه شامل مجریان دستگاه عدالت کیفری می‌شود، اصحاب دعوی را نیز در بر می‌گیرد و آنها را موظف می‌نماید، در زمان تحصیل ادله به نفع خود و علیه دیگری، از توسل به زور و خشونت پرهیز نمایند (۳۵). در قوانین عادی و قانون اساسی ایران، تضمینات قانونی برای رعایت مشروعیت در تحصیل دلیل پیش‌بینی شده است و اعمال هر گونه شکنجه و اذیت و آزار برای کسب خبر و اطلاع و حتی اقرار متهم، ممنوع بوده و اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند از نظر قانونی مجاز نیست و اعتبار ندارد و حتی در صورت نقض این مقررات، متخلف مجازات می‌گردد. ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری نیز اجبار و اکراه متهم در هنگام بازجویی را ممنوع اعلام کرده است.

#### ج- رعایت اصل آزادی اطلاعات

همان طور که گذشت مهمترین حقوقی که قوانین اساسی و اسناد حقوق بشر بر آن تاکید می‌کنند، همانا حقوق و آزادی‌های فردی است و نظر به آزادی فردی در زندگی افراد و پیشرفت جامعه، این اصل از حمایت قانونی برخوردار شده و حکومت‌ها تضمین‌هایی را برای حفظ آن در مقابل تجاوز وضع کرده‌اند و جز در موارد قانونی، به کسی اجازه تعرض به آن را نمی‌دهند. یکی از این حقوق، احترام به اصل آزادی اطلاعات است (لایحه آزادی اطلاعات مصوب ۱۳۸۴/۴/۱۲ هیأت وزیران) (حق اندیشیدن، داشتن عقیده و بیان آن، حق طبیعی تمامی انسانها و بخش جدایی‌ناپذیر کرامت انسانی است). آزادی اطلاعات یا آزادی ارتباطات که گاه تحت عنوان (آزادی مطبوعات) (۳۶). از آن یاد می‌شود، در معنای عام خود به مفهوم (جست و جو، جمع‌آوری و کسب آزادانه اخبار و اطلاعات و عقاید عمومی، انتقال و مخابره آزادانه آنها، انتشار آزادانه روزنامه‌ها و پخش آزادانه برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، دریافت و مطالعه آزادانه مطبوعات و دریافت آزادانه برنامه‌های یاد شده) (۳۷) است. و در واقع به مفهوم، آزادی رسانه‌ها و مطبوعات در بیان اخبار و اطلاعات و حفظ منابع اطلاعاتی خود و پرهیز از هر گونه تأخیر غیر موجه در انتشار اخبار و اطلاعات به کار می‌رود. گاه اقدام به تحقیقات مقدماتی برای تحصیل و جمع‌آوری ادله ممکن است آزادی مطبوعات و رسانه‌ها را در انتقال و انتشار اطلاعات با تحدیداتی مواجه سازد یا در اطلاع رسانی به عموم مردم مانع یا تأخیر ایجاد نماید. بر این اساس، اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشریات و مطبوعات را در بیان مطالب آزاد دانسته است (۳۷) و این بدین معناست که تحصیل و نشر اخبار و اطلاعات حق قانونی رسانه‌ها و مطبوعات است و هیچ کس نمی‌تواند در انتشار اخبار و اطلاع‌رسانی به عموم مانع ایجاد نماید. به همین دلیل، ماده ۴ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۶ و اصلاحی ۱۳۷۹/۲/۷، مقرر می‌دارد که (هیچ مقام دولتی یا غیر دولتی حق ندارد به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند) و ماده ۵ همین قانون، کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی را حق قانونی مطبوعات دانسته است. البته همانطور که اصل ۲۴ قانون اساسی اشعار می‌دارد اطلاع‌رسانی تا آنجا آزاد محسوب می‌شود که بیان مطالب، اخلاص در مبنای اسلام یا حقوق عمومی نباشد و ماده ۶ قانون مطبوعات نیز ضمن تاکید بر اصل آزادی مطبوعات، موارد تحدید کننده این اصل را مشخص نموده است (۳۱).

#### نتیجه‌گیری

برای رعایت اخلاق و احترام به آزادی انسان، تحصیل دلیل در محاکم دادرسی اهمیت زیادی دارد. دلیل در تمامی انواع دادرسی به عنوان عامل اثر بخش و مهم شناخته شده است. در شریعت اسلامی بالاخص فقه امامیه با استنباط از آیه ۶ سوره مبارکه حجرات، حدیث امیرالمؤمنین در رابطه با قبح کیفر بی‌گناه در امور جزایی و فحوای بیانات فقها درباره‌ی حصول دلیل، می‌توان گفت که تحصیل دلیل در فقه اسلامی ریشه‌ای طولانی و تاریخی دارد. دلیل کیفری همواره ناظر به واقعه‌ای است که قبلاً حادث شده باشد. لذا هرگاه ادله‌ای احتمال وقوع واقعه‌ای

criminalization in Iran's criminal law. *Ethics in Science and Technology*; 14 (4): 1-6. (In Persian).

4. Dehkhoda AA. (1993). *Dehkhoda dictionary*. 5th ed. Iran/Tehran: Tehran University Publication. (In Persian).
5. Ensafpour G. (1994). *Comprehencive dictionary of Persian*. Iran/Tehran: Zavar Publication. (In Persian).
6. Tadaion A, Koushki G. (2007). *French code of criminal procedure*. Iran/Tehran: Legal and Judicial Development Deputy. (In Persian).
7. Katouzian N. (2006). *Proof and reason of proof*. Iran/Tehran: Mizan Publication. (In Persian).
8. Ashoori M. (2004). *Code of criminal procedure*. Iran/Tehran: Samt Publication. (In Persian).
9. Shams A. (2005). *Civil procedure*. Iran/Tehran: Derak Publication. (In Persian).
10. Moein M. (2001). *Persian dictionary*. Iran/Tehran: Amirkabir Publication. (In Persian).
11. Dayani A. (2006). *Evidence of litigation in civil and criminal matters*. Iran/Tehran: Tadriss Publication. (In Persian).
12. Tavasouli Jahromi M. (2003). *Subut & Esbat*. Law and Political Sciences; 62. (In Persian).
13. Sadrzadeh Afshar M. (1997). *Evidence of litigation in Iranian law*. Iran/Tehran: Unversity Publication Center. (In Persian).
14. Makarem Shirazi N. (1995). *Model interpretation*. Iran/Qom: Dar/Alkotob Islamic. (In Persian).
15. Tabarsi F. (1415). *The Qur'an Complex in the interpretation of the Qur'an*. Beirut: Institute for Investigation and Dissemination of Islamic Knowledge. (In Arabic).
16. Havizi A. (1415). *Nooralsaghalein*. Iran/Qom: Ismaelian Publication. (In Persian).
17. Ghartabi B. (1419). *The whole of the provisions of the Qur'an*. Beirut: Institute for Investigation and Dissemination of Islamic Knowledge. (In Arabic).
18. Tabatabaei SM. (1995). *Almizan interpretation*. Iran/Qom: Islamic Publication Center. (In Persian).
19. Jafari Langeroudi MJ. (2009). *Encyclopedia of judicial Islamic sciences*. Iran/Tehran: Ganje Danesh Publication. (In Persian).
20. Mozafar MR. (2009). *Principles of jurisprudence*. Iran/Qom: Dar Alfer Publication. (In Persian).
21. Heidari AN. (2012). *Principles of interfer*. Iran/Qom: Dar Alfer Publication. (In Persian).
22. Ansari M. (1419). *Fried assets*. Iran/Qom: Islamic Thought Complex. (In Arabic).
23. Borojerdi SH. (2007). *The footnote on the sufficiency of the assets*. Iran/Tehran: Bija Publication. (In Arabic).
24. Salimi M. (2015). *Obtaining a guide for frontal rights and French rights*. *Islamic Law Buildings Magazine*; 8(15). (In Persian).
25. Goldouzian I. (2005). *Evidence to prove*. Iran/Tehran: Mizan Publication. (In Persian).
26. Taheri Bajd MA. (2004). *Appointment of Rahim Dalil Kefri as the role of the Iranian legal system*. Iran/Tehran: Samt Publication. (In Persian).

را در آینده ثابت نماید، این ادله را نمی‌توان دلایل قطعی و وقوع آن واقعه دانست؛ به عبارت موجزتر اینکه دلیل کیفری، به اثبات ما وقع می‌پردازیم و نه ما لم یقع. باید خاطرنشان ساخت که کاربرد شیوه‌های جمع‌آوری دلیل باید با خطر اجتماعی ناشی از جرم از تناسب باشد و همین امر مؤید نسبی بودن مشروعیت است. به بیان دیگر، گاه طریقی که برای تحصیل دلیل یک جرم با درجه اهمیت پایین، روشی نامشروع به شمار می‌رود همان طریق برای جرم دیگری با اهمیت بیشتر، روشی مطلقاً مشروع تلقی می‌گردد. با تمام این تفاسیل اصل تناسب شیوه دلیل با اهمیت جرم ارتكابی را نباید تا آنجا پیش برد که به نوعی مورد استفاده توجیه‌گرانه برای طرق غیرمشروع جمع‌آوری دلیل قرار گیرد، بدین معنی که اصل یاد شده هرگز نمی‌تواند به کارگیری داغ و درفش را بهانه اهمیت فراوان جرم ارتكابی توجیه نماید. لذا هر مرجعی که مسئول اخذ و تحصیل ادله کیفری شناخته می‌شود ناگزیر است تا در این مسیر حقوق جهانی متهم را محترم بشمارد و از مرزبندی‌های به رسمیت شناخته شده تجاوز ننماید.

### ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

### واژه نامه

1. Ethics	اخلاق
2. Law	حقوق
3. Justice	عدالت
4. Ethical rules	قواعد اخلاقی
5. Ethical challenges	چالش‌های اخلاقی
6. Citizenship rights	حقوق شهروندی
7. Reason	دلیل
8. Legal evidence	ادله قانونی
9. Conviction of conscience	اقتناع وجدان
10. Jurisprudence of Imamiyya	فقه امامیه
11. Criminal justice	حقوق کیفری
12. Fair judgement	دادرسی عادلانه
13. Islamic legal system	نظام حقوقی اسلام
14. Retribution	قصاص
15. Human dignity	کرامت انسانی

### References

1. Katouzian N. (2007). *Ethics and law*. *Ethics in Science and Technology*; 2(1, 2): 85-88. (In Persian).
2. Enayati T, Arasteh H, Zamani F, Nezafati Payani Y. (2012). *The relationship between citizenship rights with social behavior in university students*. *Ethics in Science and Technology*; 7 (2):25-34. (In Persian).
3. Afrasiabi S, KHoeini G, Mojtahed Soleimani A. (2020). *Legal and ethical principles of*

33. Ansari B. (2002). Principles governing information privacy. Monthly of Legal and Parliamentary Affairs of the Presidential Parliament; 1(3). (In Persian).
34. Najafi Abrandabadi AH. (2002). Large systems of criminal policy. Iran/Tehran: Samt Publication. (In Persian).
35. Ravandi M. (1989). The course of justice in Iran. Iran/Tehran: Cheshmeh Publication.
36. Shahkani N. (2006). Freedom of the press; right and necessity. Iran/Tehran: Kian Publication. (In Persian).
37. Motamednejad K, Motamednejad R. (2006). The legal pillars of press freedom, the principle of free press and its exceptions and restrictions. Journal of Media; 9(2). (In Persian).
27. Khazani M. (1998). Criminal process (collection of articles). Iran/Tehran: Samt Publication. (In Persian).
28. Fakheri S. (2009). Protecting human dignity in Iranian criminal law. [M.A thesis]. Iran/Tehran: Shahid Beheshti University. (In Persian).
29. Jafari Tabrizi MT. (1991). Universal human rights from the perspective of Islam and the West. Tehran: Publications of the International Legal Services Office of the Islamic Republic of Iran. (In Persian).
30. Hashemi SM. (2005). Constitutional rights of the Islamic Republic of Iran. Iran/Tehran: Samt Publication. (In Persian).
31. Jafari A. (2006). Check the right to privacy. Monthly Law Excellence; 1(3). (In Persian).
32. Hasani J. (2006). Criminal protection of privacy in cyberspace. [M.A thesis]. Iran/Tehran: Shahid Beheshti University. (In Persian).